

حکم رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفیه

محمدحسین نصرت^۱

چکیده

فزونی جمعیت در قرون اخیر یکی از چالش‌های مناسک اعمال مناست، از طرفی توسعه‌های اخیر، که در جمرات صورت گرفته است، ضرورت دارد حکم رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفیه تحلیل و بررسی شود. از این رو در مقاله حاضر نظرهای مخالفان و موافقان رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جمرات تحلیل و بررسی می‌شود. از آنجایی که تعیین مواضع عبادت حج، از طرف شارع مقدس است و نظر عرف در اینجا اعتباری ندارد و توقیفی بودن مناسک حج و قاعده بین تخییر و تعیین اعلام می‌کند که محدوده سابق باید رمی شود، اگر در محدوده توسعه یافته رمی صورت بگیرد، دلیل بر صحت حکم مشکل است. موافقان برای صحت جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن به صدق عرفی و اطلاقات ادله رمی جمرات استدلال کرده‌اند که بعد از واکاوی، صدق عرفی در این مورد اعتبار ندارد؛ زیرا تعیین مواضع عبادت حج به دوش عرف نیست. همچنین ادله رمی جمرات اطلاق ندارد؛ چون شارع مقدس در مقام بیان محدوده جمرات نیست تا اینکه اطلاق‌گیری شود. اما در شرع مقدس برای این چالش راه حل فقهی در نظر گرفته شده است که عبارت از توسعه فاعلی و توسعه

husseinnasrat30@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری، جامعه المصطفی العالمیه

زمانی است. اما نسبت به توسعه مکانی جمرات از اساس دلیلی وجود ندارد. بنابراین رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن مجزی نیست. در صورت بروز مشکلات و مشقت های حاصل از فزونی جمعیت، باید به توسعه فاعلی و توسعه زمانی رمی جمرات توجه شود و به آن عمل شود.

کلید واژه ها: رمی، جمرات، توسعه جمرات، حکم، فقه اهل بیت، فقه حنفیه

مقدمه

شرکت حاجیان در منا برای ادای مناسک جمرات و ازدحام پیرامون ستون جمرات یکی از چالش های قرون اخیر است؛ به دلیل همین مشکلات متولیان امور در طول تاریخ برای رفع ازدحام پیرامون جمرات تلاش کرده اند تا جمرات را توسعه دهند تا اینکه در تاریخ ۲۴ ذی حجه سال ۱۴۲۶ قمری وزیر کشور عربستان از علمای دینی این کشور خواست تا راه حل شرعی برای محافظت از جان حجاج ارائه کنند. این دعوت به ارائه پیشنهادی از سوی هیئت علمای بزرگ سعودی برای توسعه جمرات منجر شد و بر اساس این پیشنهاد، طرح توسعه جدید جمرات شکل گرفت. این طرح بر مبنای تقسیم جمعیت متمرکز حجاجی که برای رمی به جمرات می آمدند، به گروه های کوچک تری که قابل کنترل و بدون ازدحام بودند، طراحی و سیستم تهویه پیشرفته و امکانات رفاهی متعدد برای رمی کنندگان پیش بینی شد.

(www.bin-dehaish.com)

در سال ۲۰۱۲ میلادی ساختمان جدید به طول ۹۵۰ و عرض ۸۰ متر در ۵ طبقه ساخته شد. در این بازسازی، ستون های جمرات به شکل استوانه های توخالی و بیضی شکل به طول ۴۰ متر در وسط حوضچه هایی بیضی شکل ساخته شد. برای تقسیم جمعیت رمی کننده، هر کدام از خیابان های اصلی پیرامون ساختمان جمرات به وسیله راهی به یکی از مدخل های ورودی ساختمان در طبقات مختلف متصل و دستگاه تهویه هوای

پیشرفته در آنها قرار داده شد. (http://www.kapl-hajj.org/jamarat_bridge_.php).

امروزه جمرات و نسبت به زمان سابق، توسعه طبقاتی و عرضی به خود گرفته است و رمی کردن آن از طبقات فوقانی و قسمت هایی که توسعه عرضی داشته است، از مسائل مستحدثه است که باید مورد بررسی قرار گیرد. نویسنده در این مقاله حکم رمی جمرات در محدوده توسعه یافته از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفیه تحلیل و بررسی می کند.

گفتار اول: رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن از دیدگاه فقه امامیه و حنفیه

در باره رمی جمرات در محدوده توسعه یافته بین فقهای امامیه دو دیدگاه وجود دارد: برخی از فقیهان قائل هستند که رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست و حجاج تلاش کنند همان محدوده جمرات سابق را رمی کنند.

در مقابل، برخی دیگر از فقهای امامیه می گویند: رمی جمرات در محدوده توسعه یافته اشکال شرعی ندارد و حاجی می تواند در محدوده توسعه یافته جمرات را رمی کند.

دو دیدگاه نیز بین فقهای احناف درباره رمی جمرات وجود دارد. در اینجا قول به عدم جواز رمی جمرات و ادله آن از هر دو مذهب تحلیل و بررسی می شود.

۱. قول به عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته و ادله آن از دیدگاه فقهای امامیه

برخی از فقها مانند آقایان، خوئی (۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۹۶)، خراسانی (۱۴۲۸ق، ص ۱۵۳)، سیستانی (۱۴۲۸ق، ص ۵۴۹)، حکیم (۱۴۳۳ق، ص ۲۳۳)، تبریزی (۱۴۲۷ق) و صافی گلپایگانی (۱۴۲۷ق) بر این نظریه اند که رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست.

الف) ادله عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته از دیدگاه فقه امامیه

یک- قاعده اشتغال (احتیاط)

ادله کسانی که رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن را جایز نمی دانند، برگشت به اصل احتیاط دارد؛ چون مکلف یقین به اشتغال ذمه دارد که باید جمرات اصلی و واقعی را رمی کند؛ وقتی محدوده توسعه یافته جمرات را رمی کرد، شک حاصل می شود که براءت ذمه حاصل شد یا خیر؟ در صورت حصول چنین شکی مجرای احتیاط و اشتغال فراهم است. اشتغال یقینی فراغ یقینی می طلبد، بنابراین باید همان جمره سابق و اصلی را رمی کرد تا فراغ ذمه حاصل شود.

نقد: قاعده اشتغال و احتیاط در جایی جاری می شود که ما ادله لفظیه نداشته باشیم، اما اطلاعات ادله وجوب رمی، شامل جمرات توسعه یافته می شود و آن اطلاعات دلیل لفظی است و مقدم بر این قاعده اشتغال و احتیاط است، اگرچه این احتیاط حسن دارد.

البته این نقد در صورتی وارد است که اطلاعات ادله وجوب رمی، شامل جمرات توسعه یافته شود، فعلاً این مطلب در حد ادعاست و اطلاعات ادله وجوب رمی، در قول دوم فقهای امامیه بررسی می شود.

برخی از نویسندگان قائلند که در اینجا شک ما در شبهه مفهومی است، وقتی که شک در شبهات مفهومی باشد، احتیاط لزومی ندارد.

شک در مقدار جمره از صغریات شک در شبهات مفهومی است. اگر شک از حیث ضیق و سعه مرمی و جمره شود، اگر قائل شویم منظور از جمره جهت جمره است مانند قبله که جهت مهم است، نه آن نقطه محدود به اندازه چند ذراع در این صورت رمی مقدار زائد کافی است، مانند اینکه قبله جهت کعبه است نه خود آن،

بنابراین اگر صرف نمازگزاران بیشتر از عرض کعبه شود و جهت آنان به سمت کعبه باشد نماز صحیح است.

اگر قائل شویم جهت جمره منظور نیست، بلکه مرمی و جمره همان موقف شیطان است، که حضرت ابراهیم علیه السلام او را رمی کرد، پس جمره از حیث ضیق و سعه به مقدار جرم شیطان از نگاهی عرضی و طولی است، نه بیشتر از آن. بنابراین رمی کردن همان مقدار مجزی است. بیشتر از آنکه الآن جمرات را توسعه داده اند جمره اطلاق نمی شود، بنابراین بحث ما شک در شبهه مفهومی است. (قائمی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۴)

در جایی که شک در مفهوم یک شی باشد و این شک ناشی از زیاده و نقیصه باشد، شک در اقل و اکثر است و در جایی که شک در اقل و اکثر استقلالی از ناحیه مفهوم باشد، بدون شک احتیاط معنا ندارد؛ بلکه باید برائت جاری کرد. (قائمی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۹۲)

البته در جواب این دلیل که شک در مفهوم جمرات است، می توان گفت: مفهوم جمرات نزد معصوم و سایر مردم یکی بود و ائمه علیهم السلام مثل سایر مردم به همان ستون، جمرات می گفتند. اگر جمرات غیر از آن ستون و بنا بود و جمرات شامل زمین و محل رمی می شد، ائمه این امر مهم را ترک نمی کردند و آن را بیان می کردند. از آنجایی که هیچ بیانی نسبت به جمرات از ائمه نقل نشده است، معلوم می شود که مفهوم جمره نزد مردم و ائمه علیهم السلام یکی بوده، بنابراین شک در شبهه مفهومی نیست تا اینکه برائت جاری شود.

مکلف وقتی که محدوده توسعه یافته جمرات را رمی کند، در واقع شک در امتثال تکلیف می کند که آیا تکلیف امتثال شد یا خیر؟ مواردی که شک در تحصیل امتثال

تکلیف باشد، مجرای قاعده اشتغال است.

اشکال: فرض کردیم جمرات در زمان معصوم وجود داشته است، اما از زمان معصوم تا به حال باقی نمانده است. اگر این جمرات را تعمیر و به همان مقدار سابق بازسازی کننده در صورت رمی، شک در فراغ یقینی می‌شود؛ زیرا شک در اجزاء رمی جمره تازه تعمیرشده یا تازه ساخته شده وجود دارد.

جواب: مرحوم خوئی در پاسخ به این اشکال می‌نویسد:

جمرات را اگر مثل سابق درست کنند و بازسازی شود، رمی جمرات تعمیرشده مجزی است؛ به خاطر اینکه عرفاً جمره اطلاق می‌شود، اما اگر ساختمان جدید و جمرات را توسعه دهند، جمره سابق گفته نمی‌شود.

(خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۹۶)

دو- تعبدی و توقیفی بودن جمرات

دلیل دیگر برای عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن این است که مناسک حج توقیفی است، همان طور که خداوند از طریق حضرت جبریل به حضرت ابراهیم مناسک حج را آموزش داد و همچنان که پیامبر اسلام فرمود: «این جمرات یکی از مناسک مناست»، موضوع جمرات توقیفی و تعبدی است و توسعه دادن موضوع جمرات خلاف تعبد و توقیفی بودن مناسک است. بنابراین رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن مجزی نیست. برای توقیفی و تعبدی بودن موضوع جمرات می‌شود به آیه ۱۲۸ سوره بقره استدلال کرد. قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾. (بقره: ۱۲۸)

منظور از این فراز تعلیم دادن و آموزش دادن مناسک و اعمال حج است. قتاده می‌گویند خداوند طواف بیت، سعی بین صفا و مروه، وقوف در عرفات، مشعر و رمی

جمرات را به حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل آموزش داد. (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۳)

فاضل مقداد در تفسیر این آیه می فرماید:

﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾ یعنی مواضع عبادت در حج را برای ما تعریف کنید و به ما آموزش دهید! این خواست حضرت ابراهیم مستجاب شد و خداوند برای حضرت ابراهیم و اسماعیل حضرت جبرئیل را فرستاد و مناسک حج را از اول تا روز عرفه تعلیم داد، بعد از آنکه در عرفات رسید از حضرت ابراهیم سؤال کرد آیا مناسک حج را شناختی؟ حضرت ابراهیم در جواب فرمود: «بله، شناختم». از این جهت همان روز را روز عرفه می گویند و آن سرزمین را عرفات اسم گذاشتند. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۹)

مرحوم مجلسی می فرماید:

منظور از ﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾ این است که حضرت ابراهیم درخواست کرد، مواضعی که عبادت به او تعلق گرفته به ما نشان بدهید! تا آن را انجام بدهیم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۸۷)

این تفاسیر درباره مواضع عبادت حج، جز توقیفی بودن احکام و موضوعات حج بر چیز دیگری دلالت ندارد؛ همچنان که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست دارد مواضع عبادت حج برای او تعریف شود، از این درخواست فهمیده می شود که مواضع عبادت حج توقیفی است که باید از جانب شارع مقدس تعیین شود.

همچنان این روایت پیامبر اسلام ﷺ «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۰۷) دلالت دارد که مسئله حج امر توقیفی است؛ یعنی نمی شود در حکم و موضوع آن دخالت کرد و همه آن از جانب شرع تعیین می شود و هرگز این مواضع

حج، ملقات به عرف نیست. اگر مواضع عبادت حج ملقات به عرف بود، این بیان پیامبر اسلام ﷺ معنا نداشت.

سه - روایات

ممکن است از روایات هم استفاده شود رمی جمرات در محدوده توسعه یافته و به طور خاص رمی جمرات از طبقات فوقانی جایز نباشد.

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«خُذْ حَصَى الْجِمَارِ ثُمَّ اتِّ الْجُمْرَةَ الْقُصْوَى الَّتِي عِنْدَ الْعَقَبَةِ فَأَرْمِهَا مِنْ قِبَلِ وَجْهِهَا وَلَا تَرْمِهَا مِنْ أَعْلَاهَا» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۸)

از نگاه رجالی و سندی راویان روایت، از اجلا و ثقات هستند. از نگاه دلالتی این روایت مربوط به جمره عقبه می‌شود. منظور از جمره ستون و بنا است که در آن مواضع قرار دارد و رمی کردن آن از اعلا جایز نیست. بنابراین رمی جمرات از طبقات فوقانی، «ولا ترمها من اعلاها» صدق می‌کند. این روایت دلیل اجتهادی بر عدم جواز رمی از طبقات فوقانی آن می‌شود و از باب تنقیح مناط رمی کردن جمرات وسطی و اولی از طبقات فوقانی نیز طبق این روایت ممنوع است.

در این روایت هم امر «فَأَرْمِهَا مِنْ قِبَلِ وَجْهِهَا»؛ که از مقابل جمره رمی کرد و وجود دارد و هم نهی: «ولا ترمها من اعلاها» که از اعلا جمره رمی نکنید. این شامل جمرات فعلی از طبقات فوقانی می‌شود.

همچنان روایتی معتبره از امام رضا علیه السلام است که حضرت می‌فرماید: «وَأَرْمِهَا مِنْ بَطْنِ الْوَادِي وَاجْعَلْهُنَّ عَلَى يَمِينِكَ كُلَّهُنَّ وَلَا تَرْمِ أَعْلَى الْجُمْرَةِ». (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۹۷) این روایت از نگاه سندی معتبر است؛ زیرا طریقه شیخ طوسی به محمد بن یعقوب کلینی، طریقه صحیح است. (خوئی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۹، ص ۵۸) اما در سلسله این روایت

«سهل بن زیاد» قرار دارد و درباره سهل در علم رجال بحث زیادی وجود دارد. برخی نسبت غلو به او داده‌اند و روایات او را ضعیف می‌دانند. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۲۸) و برخی او را ثقه می‌دانند به دلیل اینکه صاحبان کتب اربعه به او اعتماد کرده‌اند و او را شیخ اجازه می‌دانند و کثرت روایت او موجب وثاقت اوست؛ (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۷۸) از آنجا که اعظم و بزرگان به روایت سهل بن زیاد عمل کرده‌اند این روایت از حیث سندی معتبر است.

از حیث دلالتی این روایت به صورت واضح نهی کرده است که «اعلی» یعنی بلندای ستون جمرات را رمی نکنید. در شرایط کنونی ستون جمرات را به صورت چند طبقه‌ای توسعه فوقانی هم داده‌اند. لذا در زمان حاضر بر رمی کردن ستون جمرات از طبقات فوقانی «وَلَا تَرْمِ أَعْلَى الْجُمُرَةِ» صادق است.

شاید به خاطر همین روایات باشد که اعظم و بزرگانی مانند سید خوئی و آیت الله وحید خراسانی تصریح دارند که رمی کردن به ارتفاع زاید جمره جایز نیست. منتها مشکل این روایت این است که در برخی نسخه‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۴۷۸) «علی الجمره» آمده است.

چهار- استصحاب

یکی از ادله برای عدم جواز رمی در محدوده توسعه یافته جمرات استصحاب است. به این بیان که در زمان معصوم این قسمت جزء زاید جمرات و طبقات فوقانی وجود نداشت، الآن اگر کسی از طبقات فوقانی یا جزء زاید جمرات را رمی کند، یقین دارد که جمرات سابق رمی نشده است، منتها شک در حکم آن دارد که آیا رمی به جزء زاید مجزی است یا خیر؟ مقتضای استصحاب عدم اجزاء است.

این اصل عدم اجزاء یک استصحاب عدمی است، منتها برخی تعبیر به استصحاب قهقرایی کرده‌اند؛ یعنی برای این ستون جمرات اطلاق می‌شود و استصحاب قهقرایی

می‌کنیم در نتیجه برای همین ستون در زمان معصوم هم جمرات می‌گفتند. (مکارم، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۹)

اشکال در این است که حجیت استصحاب فقه‌قراایی معلوم نیست، چه برسد به اینکه بتواند دلیل برای صحت رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن شود.

پنج- قاعده تعیین و تخییر

یکی از ادله عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن، قاعده تعیین و تخییر است. وقتی انسان محدوده توسعه یافته جمرات را رمی می‌کند، شک حاصل می‌شود که این محدوده توسعه یافته، به صورت واجب تخییری است (یعنی مکلف بین رمی کردن این محدوده توسعه یافته و محدوده زمان سابق مخیر است؟) یا محدوده سابق به صورت تعینی واجب است؟ و عقل انسان حکم می‌کند باید همان صورت تعینی را انجام دهد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره اینکه جمره همان ستون است یا مکان آن ستون جمره است می‌فرماید:

انسان وقتی که جمرات را رمی کند، شک می‌کند این رمی مخیراً واجب است یا تعیناً. احتیاط این است که به متعین أخذ کند. این مطلب را ظهور روایات و کلمات فقها هم تأیید می‌کند. ظهور اکثر روایات و کلمات فقها بر وجود بنا و ستون در زمان امام صادق علیه السلام دلالت دارد؛ مانند روایت اَبی‌غسان. اگرچه ضعف سند روایت، دلالت او را کاهش نمی‌دهد و متبادر از جمرات در روایات و کلمات هم همان ستون و بنایی است که از زمان ائمه علیهم السلام تا زمان ما استمرار داشته است و آن بنا را رمی می‌کردند. (صافی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۹۸)

این دلیل عقلی بسیار متقن و مستحکم است. گزارش‌های تاریخی از وجود ستون و بنا در زمان معصوم اتقان مطلب را کامل می‌کند.

ب) ادله قول به عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته از دیدگاه فقهای

احناف

فقهای حنفیه قائل هستند که منظور از جمره در عرف شرع، انداختن سنگریزه‌ها در مکان مخصوص و زمان مخصوص است. (کاسانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۲۰) منظور از مکان همان جمرات در سرزمین مقدس مناست. کسی حق ندارد به صورت نمادین در کشورهای دیگر جمره بسازد و آن را رمی کند و منظور از زمان خاص همان روز عید و ایام تشریق است.

برخی از فقهای حنفیه محدوده جمرات را مشخص نکرده‌اند، بلکه قرب و بعد آن را به عرف حواله کرده‌اند. (سرخسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۷۶) بازگشت این دلیل در واقع همان صدق عرفی است که در ادله جواز رمی جمرات از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام مطرح خواهد شد.

برخی از فقهای احناف محدوده آن را با ذراع اعلام کرده‌اند و محدوده جمرات را سه ذراع می‌دانند. (ابن عابدین، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۱) اعلام کردن محدوده جمرات به این صورت دلیل شرعی ندارد، صرفاً براساس حدس و گمان است. فقهای حنفی برای عدم جواز توسعه جمرات ادله‌ای استدلال کرده‌اند.

یک- توقیفی بودن مشاعر

تمام مشاعر مقدس حج توقیفی است و از طرف شرع تعیین می‌شود، عقل دخالت در زیادی و کمی این مواضع ندارد و رمی جمار نیز از همین قبیل است. محدوده جمرات مثل تعیین اوقات نماز پنج‌گانه، تعیین رکعات نماز و کلمات اذان است (الشعلان، ۱۴۳۱ق، ص ۵۵۹؛ ابحات هیئة کبار، ج ۳، ص ۲۸۴) عقل در کم و زیاد کردن آن دخالت ندارد.

از آنجایی که حنفیه ستون جمرات را به عنوان علامت و نشانه و زمین آن را محل

رمی می‌داند و فرعی را مطرح کرده است، اگر کسی بر ستون رمی کند و آن سنگریزه به زمین جمره نیاید، بلکه در همان ستون و فوق شاخص باقی بماند مجزی نیست؛ به دلیل اینکه خیلی از محدوده جمرات بعید قرار گرفته است و محدوده جمرات را برخی از فقهای حنفیه سه ذراع اطراف شاخص و ستون می‌دانند. (ابن عابدین، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۱)

دو- سد ذرایع

یکی از ادله عدم جواز توسعه حوضچه‌های جمرات قاعده سد ذرایع است. اگر حوض‌های جمرات توسعه داده شود، مردم فکرمی‌کنند تمام این حوضچه‌ها جمره است و در آن محدوده توسعه یافته رمی می‌کنند، درحالی‌که چنین نیست (ابحاث هیئت کبار، ج ۳، ص ۲۸۴) و رمی جمرات در محدوده توسعه یافته، موجب ترک واجب می‌شود و ترک واجب حرام است و سد ذرایع مکلف را از وقوع در حرام جلوگیری می‌کند. بنابراین توسعه حوض‌های جمرات جایز نیست. نمونه تاریخی هم دارد، وقتی که کوه پشت سر جمره عقبه برداشته شد، مردم از سمت شرقی این جمره رارمی می‌کردند درحالی‌که آن محل رمی نبود. (همانجا)

نقد: صحت و سقم قاعده سد ذرایع بستگی به زوایای مختلف بحث دارد، اهل سنت قائل هستند که سد ذرایع بر سه صورت است.

صورت اول: کار مباحی است که ارتکاب آن منجر به حرام می‌شود، مانند فحش دادن به بت‌های مشرکان. اگر به آن بت‌ها فحش بدهند، به صورت قطع آنان به خداوند تبارک و تعالی فحش و دشنام می‌دهند؛ بنابراین فحش به بت‌های مشرکان از باب قاعده سد ذرایع حرام است. این صورت نزد تمام اهل سنت اعتبار دارد.

صورت دوم: کار مباح است و ارتکاب آن احتمال می‌رود که منجر به کار حرام

شود، مانند اینکه در سکونت در شهر احتمال وقوع به زنا وجود دارد، این نوع سد ذرایع نزد همه اهل سنت مردود است.

صورت سوم: کار مباح است و ارتکاب آن وقوع به حرام را در پی دارد. اما وقوع به حرام قطعی نیست؛ مثل اینکه بیع مؤجل از ترس وقوع به ربا، طبق قاعده سد ذرایع حرام باشد. این صورت اختلافی است. (الطوفی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۱۳-۲۱۲)

موضوع بحث ما ممکن است از همین قسم سوم باشد، صرف احتمال اینکه مردم غیر مرمی راری کنند و در نتیجه ترک واجب شود. در چنین جایی اهل سنت خودش قائل است که سد ذرایع حجیتش اختلافی است.

علاوه بر آن این قاعده سد ذرایع در اینجا با قاعده «المشقة تجلب التیسر» تعارض دارد، اگر جمرات توسعه داده نشود، برای مردم مشقت دارد و این مشقت می طلبد که جمرات توسعه داده شود. (الشعلان، ۱۴۳۱ق، ص ۵۵۹)

سه - استصحاب مقلوب

یکی از ادله ای که برای عدم جواز توسعه جمرات استدلال شده است استصحاب عکس یا استصحاب مقلوب است؛ یعنی آنچه اکنون به عنوان محدوده جمره است و این محدوده مشخص و ثابت شده است و همین مقدار در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز محدوده جمره بوده است، بنابراین توسعه جمرات بیش از این محدوده جایز نیست. (فناری رومی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۸۸)

نقد: حجیت استصحاب مقلوب نزد همه علما ثابت نیست، علاوه بر آن توسعه رمی جمرات در قلمرو استصحاب مقلوب قرار ندارد، به دلیل اینکه محدوده جمرات به صورت دیوار و جدار در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشخص نبود، بلکه این محدوده در سال ۱۲۹۲ قمری مشخص شد (الشعلان، ۱۴۳۱ق، ص ۵۵۷) که نمی توان این دیوار را

همان مقدار جمرات زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانست.

۲. قول به جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته و ادله آن از دیدگاه فقهای

اهل بیت علیهم السلام

اکثر آیات و مراجع عظام تقلید - مانند آیت الله خامنه‌ای، آیت الله فیاض و آیت الله مکارم شیرازی - قائل به جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن هستند.

الف) صدق عرفی

یکی از دلایل کسانی که قائل هستند رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جمرات جایز است و حتی می‌شود از طبقات فوقانی رمی کرد، صدق عرفی جمرات است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «رمی جمرات جدید از طبقه فوقانی جایز است، به خاطر اینکه عرفاً جمره گفته می‌شود». (خامنه‌ای، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲۸)

فاضل صفار می‌فرماید:

آن شاخص و ستون که برای رمی جمرات نصب شده است، موضوعیت ندارد اگر اختلاف عرضی و طولی برای او ایجاد شود اشکال به وجود نمی‌آید، به خاطر اینکه جمرات نه حقیقت شرعیه دارد که از طرف شارع مقدس محدود شده باشد، نه حقیقت متشرعه دارد؛ همان صدق عرفی کفایت می‌کند. (لمیس خضیر، ۱۴۴۰ق، ص ۱۶۸)

نقد: صدق عرفی در صورتی صادق خواهد بود که موضوع مناسک حج، ملقات به عرف باشد و از طرف شارع مقدس نسبت به تحدید موضوع بیانی نباشد، اگر از طرف شرع نسبت به موضوع بیانی وجود داشته باشد، به همان اخذ می‌شود، در این صورت صدق عرفی، اعتباری ندارد.

سید خوئی رحمته الله علیه می‌فرماید:

«إذا زيد على الجمرة في ارتفاعها ففي الاجتزاء برمی المقدار الزائد إشكال فالأحوط ان يرمى الذی كان سابقاً فان لم يتمكن من ذلك رمی المقدار الزائد بنفسه و استناب شخصاً آخر لرمی المقدار المزید علیه و لا فرق في ذلك بين العالم و الجاهل و الناسی»
(خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۹۵)

اگر بر ارتفاع جمره افزوده شود، رمی مقدار زائد مجزی نیست؛ به خاطر اینکه مقدار زائد در زمان معصوم وجود نداشت و در صورت رمی، جواز اکتفای به مقدار زائد احراز نمی شود.

علاوه بر آن همان طور که در دلیل عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته توضیح داده شد، احکام و موضوعات حج یک امر توقیفی و تعبدی است که حضرت ابراهیم از خداوند خواست احکام حج را به او آموزش بدهد، همچنین مواضع آن را نشان دهد و حدیث «خذوا عنی مناسککم» دلالت دارد که احکام و موضوعات حج امر توقیفی و تعبدی است و ملقات به عرف نیست تا اینکه صدق عرفی دلیل بر جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته آن شود.

ب) اطلاقات ادله رمی جمرات

یکی از ادله جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته اطلاق ادله است. منظور از اطلاقات ادله جمرات این است که نسبت به جمرات از سوی شرع مقدس، مقدارش بر اساس ذراع یا متر تعیین نشده است، این عدم تعیین اطلاق را می رساند. اگر جمرات توسعه داده شود طبق اطلاق ادله، جمره گفته می شود.

آیت الله فیاض می فرماید:

یک - جمرات زمان معصوم باقی نمانده است، به خاطر اینکه جمرات بعد از چند سال از بین می رود و جمرات جدید در مکان آن درست می شود.

دو- محدوده جمرات در روایات از نگاه عرضی و طولی بیان نشده است تا اینکه حکم به عدم جواز رمی در محدوده توسعه یافته آن شود.

سه- جمرات زمان معصوم هیچ خصوصیتی ندارد، اگر آن خصوصیت می داشت در صورت از بین رفتن جمرات زمان معصوم باید حکم از اساس ساقط می شد.

چهار- رمی جمره یک رمز و شعار برای اسلام است، با آن شیطان را رمی می کنند، مقدار زائد و محدوده توسعه یافته آن ضرری به رمزیت و شعاریت جمره نمی زند. بنابراین رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز است. (فیاض، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۴۹۱-۴۹۲)

درباره دلیل اول، دوم و سوم قبل از این بیان شد که جمرات جدید باید به صورت سابق بازسازی شود و جمرات سابق خصوصیت دارد؛ چون مواضع عبادت حج توقیفی است. همان جمرات سابق دارای خصوصیت می شود. اما دلیل چهارم که اینجا آیت الله فیاض مطرح کرده است، مسئله رمزیت و شعار بودن رمی جمرات است. این دلیل بر فرض پذیرش تنها حکمت حکم شرعی است، علت اصلی حکم نیست تا حکم دایر مدار این نکته باشد.

برخی نویسندگان می فرمایند:

رمی در محدوده توسعه یافته جمرات جایز است، به خاطر اینکه ادله رمی جمرات اطلاق دارد، هیچ قیدی وجود ندارد و انصراف به جمرات سابق هم ندارد و با وجود دلیل اجتهادی نوبت به احتیاط و دلیل فقهاتی نمی رسد.

(لمیس خضیر، ۱۴۴۰ق، ص ۱۶۸)

این اطلاق ادله جمرات مشکل دارد، به خاطر اینکه اطلاق در جایی است که شارع مقدس نسبت به آن امر در مقام بیان باشد و آن قید را ذکر نکند، در این صورت دلیل اطلاق دارد، اما جایی که شارع مقدس در مقام بیان نباشد عدم ذکر قیودات،

اطلاق را اثبات نمی‌کند. در اینجا شارع مقدس در مقام بیان محدوده جمره بر اساس ذراع و وجب از اساس نیست تا اینکه ادله، اطلاق داشته باشد و از آن اطلاق‌گیری شود.

بنابراین ادله رمی جمرات اطلاق ندارد؛ چون شارع مقدس نسبت به محدوده جمرات در مقام بیان نیست تا اینکه از ادله رمی جمرات اطلاق‌گیری شود.

۳. قول به جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته و ادله آن از دیدگاه فقه احناف

برخی از فقهای حنفیه به متابعت و پیروی از هیئته کبار علمای سعودی قائل به توسعه جمرات شده‌اند و برای توسعه جمرات چندین دلیل را ذکر کرده است.

الف) قاعده «المشقة تجلب التیسر»

یکی از ادله برای جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته، قاعده «المشقة تجلب التیسر» است طبق این قاعده جایز است که جمرات را چند طبقه ساخت و از فوق آن جاجیان رمی کنند. (ابحاث هیئته کبار، ج ۳، ص ۲۵۸) ابن نجیم حنفی می‌گوید: «تمام تخفیفات و رخصت‌هایی که از جانب شارع باشد، از این قاعده استخراج می‌شود». (ابن نجیم، ۱۴۳۷ق، ص ۹۶)

این قاعده در واقع همان قاعده «لا حرج» است. قاعده لا حرج یا قاعده «المشقة تجلب التیسر» حکمی که مشقت داشته باشد را برمی‌دارد. اگر رمی جمرات برای برخی از افراد مشقت داشته باشد، طبق این قاعده آن حکم برداشته می‌شود یا باید نایب بگیرد.

ب) قاعده الهواء تابع الارض و القرار

ممکن است برای توسعه جمرات و صحت حکم رمی جمرات در محدوده

توسعه یافته، به قاعده «الهواء تابع الارض و القرار» استدلال شود، منظور از قاعده این است: هر حکمی که زمین دارد همان حکم را هوای زمین دارد، بنابراین اگر رمی کردن در زمین جمرات جایز است، اگرستون جمرات را توسعه دهند رمی کردن آن از طبقاتی فوقانی نیز طبق این قاعده جایز است.

محمد بن هائل المدحجی می نویسد: «اگر کسی از طبقات بالای رمی جمرات انجام بدهد مانند کسی است که از عرصه وادی عرفات رمی می کند زیرا هوا تابع قرار است».
(المدحجی، islammassege.com)

همچنان نقل شده است که عمر، خلیفه دوم، در رمی جمره عقبه بالای عقبه رفت و از بلندای آن جمره عقبه را رمی کرد. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۲۴) و هیچ کسی بر رفتار عمر و اشکال نگرفت یا سایر اصحاب هم جمره عقبه را از بلندای آن رمی کردند و کسی حکم به اعاده رمی نداد. (ابن عابدین، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۴)

منتها رمی جمره از مقابل و جهش فقط حمل بر افضلیت می شود. (سرخسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۶) و این در شرع ثابت شده است اگر کسی مالک زمین باشد مالک حریم و هوای آن هم است. (ابحاث هیئت کبار، ج ۳، ص ۲۵۸)

این قاعده ممکن است مشکل توسعه فوقانی را حل کند اما مشکل توسعه عرضی را نمی تواند حل کند و فقهای احناف برای جواز توسعه عرضی جمرات به قاعده (أَنْ مَا قَارِبَ شَيْءٍ يَأْخُذُهُ حَكْمُهُ) (کاسانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۲۳؛ الزحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۲۵۷) استدلال کرده اند. بر اساس این قاعده، اگر جمرات توسعه عرضی داده شود، رمی در آن محدوده توسعه یافته، جایز است؛ به دلیل اینکه آن محدوده حکم جمرات را گرفته است

مقایسه و نظر برگزیده

فقهای امامیه و احناف درباره رمی جمرات در محدوده توسعه یافته به طور

عمده دو دیدگاه داشتند: دیدگاه اول: رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست به دلیل قاعده احتیاط، توقیفی بودن حکم و مواضع حج، که یعنی مقدس حکم و موضوعات آن را در حج بیان کرده است. همچنین روایاتی وجود داشت که از آن استفاده شد رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست. همچنین به استصحاب عدم اجزاء و قاعده تعیین و تخییر استدلال شد که رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست. عمده دلیل در اینجا همان قاعده احتیاط، توقیفی بودن مناسک حج و قاعده تعیین و تخییر بود. فقهای احناف نیز به توقیفی بودن مواضع حج و سد ذرایع استدلال کردند.

دیدگاه دوم: رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز است به خاطر اینکه جمرات فعلی، صدق عرفی دارد و ادله رمی جمرات اطلاق داشت و نسبت به محدوده جمرات قید نداشت؛ بنابراین جمرات کنونی تحت همان اطلاق قرار گرفته و رمی کردن آن در محدوده توسعه یافته بدون مانع است برخی فقهای احناف به قواعد فقهیه خودشان مانند قواعد «المشقة تجلب التیسر» و قاعده «الهواء تابع الارض والقرار» برای جواز رمی استدلال کردند.

در بین این دو نظریه، دیدگاه اول به دلیل اتقان مطلب پذیرفته می شود و دیدگاه دوم به خاطر اشکالاتی که دارد، توان معارضه با ادله دیدگاه اول را ندارد، لذا آن دیدگاه در این نوشتار کنار گذاشته شد.

بر اساس ادله موجود، رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست، دلیل توقیفی و تعبدی بودن مناسک حج، دلیل اصل عدم اجزاء، که از مصادیق استصحابات عدمی است، و قاعده شک بین تعیین و تخییر این مطلب را اثبات می کند که در محدوده توسعه یافته رمی جمرات مجزی نیست. علاوه بر آن این قول

موافق با احتیاط است و احتیاط در هر شرایطی حسن است.

کسانی که قائل به جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته هستند، به صدق عرض جمرات و اطلاق ادله استدلال کردند که هر دو دلیل نقد شد صدق عرفی جمرات دلیل بر جواز رمی نمی شود؛ چون در برخی از موضوعات وقتی که شارع مقدس با دخالت و تعیین موضوع، حکم آن را بیان می کند، در چنین مواردی نظر عرف و صدق عرفی اعتباری ندارد.

همچنان اطلاقی وجود ندارد تا اینکه به ادله اطلاقات رمی جمرات مراجعه شود. به خاطر اینکه اطلاق جایی است که شارع مقدس در مقام بیان باشد و امکان قید هم وجود داشته باشد ولی شارع آن قید را بیان نکند، در محل بحث، شارع مقدس در مقام بیان تعیین جمرات بر اساس متروذراع نیست لذا نمی توان به اطلاق استدلال کرد. فقهای احناف در مورد رمی جمرات در محدوده توسعه یافته مانند فقهای امامیه دو دیدگاه داشتند:

دیدگاه اول: رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست؛ به دلیل اینکه مناسک حج مانند رکعات نماز و اذکار اذان و اقامه به دست شارع مقدس است و عقل دخالتی در کم و زیادی اینها ندارد. سد ذرایع و استصحاب مقلوب نیز از جمله ادله این دیدگاه قرار گرفت.

دیدگاه دوم: رمی جمرات در محدوده توسعه یافته به دلیل قاعده «المشقة تجلب التیسر» و قاعده «الهواء تابع الارض و القرار» همچنین قاعده «ما قارب عنده يأخذه حکمه» جایز است.

هرچند قاعده «المشقة تجلب التیسر» پشتوانه قرآنی و روایی داشت و از این جهت اتقان دارد، اما دیدگاه اول دلیل توقیفی بودن مناسک حج را مطرح کرد و این دلیل در

دیدگاه فقهای امامیه نیز بررسی شد و یک دلیل متقن و خالی از اشکال بود.

از آنجایی که دیدگاه عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته در این نوشتار برتری داده شده، با پذیرش روایات دال بر عدم جواز، چنانچه عمل به حکم اولی منجر به حرج شود، این حکم با ادله لاجرح برداشته می شود؛ یعنی قاعده لاجرح حاکم بر ادله مبین حکم اولی است، چون در شرایط کنونی به خاطر کثرت حاجیان و ازدحام، رمی جمرات در محدوده سابق غیر ممکن یا مشقت زاست. بنابراین باید به قاعده «لا حرج» مراجعه کرده و دیدگاه رمی جمرات در محدوده توسعه یافته ترجیح داده شود؛ چون این قاعده از احکام ثانویه است و بر احکام اولیه حکومت دارد.

این مطلب در صورتی صحیح است که از جانب شرع مقدس هیچ راه حل فقهی وجود نداشته باشد، اما اگر از طرف شرع مقدس راه حل فقهی خاصی ارائه شده باشد، باید به همان راه حل فقهی مراجعه کرد و به آن أخذ شود. در گفتار بعدی راه حل فقهی تحلیل و بررسی می شود.

گفتار دوم: راه حل فقهی درباره رمی جمرات

۱. توسعه فاعلی

در فقه شیعه افراد بیمار، کسانی که توانایی ندارند یا مانعی برای حضور آنان در منا وجود دارد، می توانند افرادی که مورد وثوق و اطمینان است، را نایب بگیرند و آنها به نیابت، رمی جمرات را انجام بدهند و این خودش یک نوع توسعه فاعلی است؛ آنچه که بر شخص واجب است نایب آن را انجام بدهد.

محقق حلی می نویسد: «يجوز أن يرمى عن المعذور كالمريض» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۵۱) به نیابت فرد معذور می توان رمی جمار کرد. اگر دامنه معذور توسعه داده شود، توسعه فاعلی به صورت چشمگیری صورت خواهد گرفت و بخش اعظم مشکلات

رمی جمرات را حل خواهد کرد.

روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که ما به دو روایت بسنده می‌کنیم:

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْكَسِيرُ وَالْمُبْطُونُ يُزْمَى عَنْهُمَا قَالَ وَالصَّبِيَانُ يُزْمَى عَنْهُمْ. (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۴، ص ۴۸۵)

این روایت را کلینی نقل می‌کند و در سلسله روایت ابراهیم بن هاشم، پدر علی ابن ابراهیم قمی قرار دارد. برخی به خاطر عدم توثیق او روایت را حسن می‌دانند. اما از آنجایی که ابراهیم بن هاشم در سلسله تفسیر قمی قرار دارد و توثیق عام او محرز است و از نگاه جلالت و منزلت فوق توثیق قرار دارد روایت صحیح است.

- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرِيضِ يُزْمَى عَنْهُ الْجَمَارُ قَالَ نَعَمْ يُحْمَلُ إِلَى الْجُمْرَةِ وَيُزْمَى عَنْهُ. (همانجا)

این روایت نیز از نگاه سندی صحیح است. کلینی از ابوعلی اشعری که همان محمد بن عیسی بن عبد الله بوده و ثقه است، نقل می‌کند (تبریزی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۴۴-۱۴۳) و سایر روایان از اجلا و ثقات هستند.

اکثر فقها طبق این احادیث توسعه فاعلی نسبت به رمی جمار را پذیرفته‌اند؛ افرادی مانند شخصی که پایش شکسته است، یا شکم درد دارد، یا اینکه مریض است نایب بگیرد و او از طرف آن شخص مریض رمی جمرات را انجام بدهند.

برخی از مراجع نسبت به این توسعه فاعلی در شرایط فعلی توجه کرده‌اند و گفته‌اند کسی که نمی‌تواند محدوده سابق جمره را رمی کند، باید نایب بگیرد. (افتخاری، ۱۴۲۸ ق، ص ۵۲۷) این راه حل توسعه فاعلی موجب می‌شود، که ازدحام پیرامون جمرات کاسته شود و حاجی به راحتی از جانب خودش و از جانب منوب عنه خود همان محدوده سابق جمرات را رمی کرد.

۲. توسعه زمانی

همچنان در فقه امامیه توسعه زمانی به خاطر مشکلات رمی جمرات، در نظر گرفته شده است. رمی در تمام ساعات روز عید و روزهای بعد از عید را جایز می‌دانند. محقق حلی می‌فرماید: «وقت الرمی ما بین طلوع الشمس الی غروبها». (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۵۰) فقهای دیگر نیز به صحت این حکم فتوا داده‌اند. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۶۶)

در روایت صحیح السنند ابا بصیر، صفوان و منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَمَى الْجِمَارِ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا». (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۴۸۱) همچنین جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «قَالَ فَقُلْتُ لَهُ إِلَى مَتَى يَكُونُ رَمَى الْجِمَارِ فَقَالَ مِنْ اِثْتِغَاعِ النَّهَارِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۸۲) روایت صحیح صفوان از امام صادق علیه السلام چنین است «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ رَمَى الْجِمَارِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۶۲)

این روایات اثبات می‌کند که زمان رمی جمار از نظر زمانی توسعه دارد و تمام ساعات روز را شامل می‌شود؛ برخلاف فتوای غالب فقهای اهل سنت که زمان رمی جمار را بعد از روز عید محدود کرده‌اند و فتوا به صحت رمی جمار بعد از ظهر داده‌اند. (سرخسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۴)

برخی از افراد معذور مانند خائفان (کسانی که به دلایل مختلف نسبت به امنیت خود بیمناک هستند) ناتوانان، زنان، چوپانان، بردگان و بیماران می‌توانند در شب رمی جمار را انجام بدهند (صاحب جواهر، ۱۲۶۶ق، ج ۲۰، ص ۲۰) و این احکام مستند به روایات است.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الَّذِي يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَرْمِيَ بِاللَّيْلِ مَنْ

هُوَ قَالَ الْحَاطِبَةُ وَ الْمَمْلُوكُ الَّذِي لَا يَمْلِكُ مِنْ أَمْرِهِ شَيْئاً وَ الْحَائِفُ وَ الْمَدِينُ وَ الْمَرِيضُ
الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَزِمِي يُحْمَلُ إِلَى الْجَمَارِ فَإِنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يَزِمِي وَ إِلَّا فَارَمَ عَنْهُ وَ هُوَ
حَاضِرٌ (شيخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۷۶)

این روایت از لحاظ سندی ضعیف است؛ به خاطر اینکه طریقه شیخ صدوق به وهیب بن حفص صحیح نیست؛ زیرا در سلسله طریق شیخ صدوق، محمد بن علی ماجیلویه قرار دارد و این شخص توثیق ندارد.

اما از نگاه دلالتی عنوان «خائف» و «ضعیف» از عناوین عام است و شامل کسی که از آسیب دیدن یا آسیب رساندن به دیگران خائف باشد، می شود. چنین شخصی می تواند در شب رمی جمار کند. این توسعه زمانی در روایات بیان شده است و برخی از فقها آنها را در کتب فقهی خود ذکر کرده اند، بدون اینکه دامنه خوف و ضعف را برای مردم بازگو کنند.

ابوحنیفه درباره زمان رمی جمرات گفته است: «زمان رمی جمره عقبه در روز عید تا غروب شمس امتداد دارد»، اما شاگرد او ابویوسف گفته است زمان رمی جمره عقبه در روز عید تا زوال شمس است، سایر ایام را همه اتفاق دارند که زمان رمی جمرات بعد از زوال تا غروب شمس است. (کاسانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۲۰)

سرخسی زمان رمی جمره عقبه را تا غروب شمس می داند و استدلال به حدیث عایشه کرده است: «إِنَّ أَوَّلَ نَسْكَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ نَرْمِيَ ثُمَّ نَذِجُ ثُمَّ نَخْلُقُ». ذهاب یوم با غروب شمس محقق می شود، منتها یک مطلب دیگر را سرخسی اضافه می کند: اگر کسی در شب رمی کرد هیچ اشکالی ندارد؛ چون شب متابعت از روز می کند و پیامبر اسلام برای چوپانان اجازه داده است که در شب رمی کنند. (سرخسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۴)

ابن عابدین گفته است: اگر انسان به خاطر خوف از ازدحام جمعیت در مزدلفه

بیتوته نکند و قبل از طلوع فجر در منا بیاید و جمره را رمی کند، این عمل صحیح است، هیچ کفاره‌ای هم ندارد؛ چون قاعده وجود دارد که هر فعل واجب به خاطر عذر ترک شود هیچ گناهی به خاطر ترک آن نیست: «کل واجب اذا ترکه بعذر لاشیء علیه بخلاف فعل المحذور لعذر کلبس المخیط و نحوه فإن العذر لایسقط الدم». (ابن عابدین، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۳)

این توسعه زمانی موجب کاهش جمعیت پیرامون جمرات می شود و حاجی قادر می شود تا به راحتی محدوده سابق جمرات را رمی کند.

بنابراین در منابع روایی نسبت به توسعه زمانی و توسعه فاعلی روایات وجود دارد، اما نسبت به توسعه مکانی روایتی درباره جمرات وجود ندارد و از این برداشت می شود در شرایط کنونی که جمرات را توسعه فوقانی و عرضی داده اند، رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نباشد و باید طبق رهنمودهای روایی پیش برویم. اگر امکان رمی جمرات وجود ندارد، باید نسبت به رمی جمرات توسعه زمانی و توسعه فاعلی داد. علاوه بر آن ادله عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته از اتقان بیشتری برخوردار بود.

نتیجه‌گیری

توسعه جمرات به صورت طبقاتی و عرضی تا حدودی مشکلات ازدحام پیرامون جمرات را برطرف کرده است، اما حکم رمی جمرات در محدوده توسعه یافته بین فقهای امامیه و فقهای احناف موافقان و مخالفانی دارد. در این تحقیق عدم جواز رمی جمرات در محدوده توسعه یافته پذیرفته شد؛ چون بعد از تحلیل و بررسی برای توسعه جمرات و صحت حکم در محدوده توسعه یافته دلیل همراهی نمی‌کند، بلکه دلیل قطعی مانند توقیفی بودن مناسک اعمال منا و از جمله رمی جمرات،

قاعده اشتغال، قاعده بین تعیین و تخییر وجود دارد که رمی جمرات در محدوده توسعه یافته جایز نیست.

در این تحقیق برای مشکلات ازدحام پیرامون ستون جمرات راه حل فقهی بیان شد که این راه حل مستند به روایات صحیحہ است که عبارت از توسعه فاعلی (نایب گرفتن در رمی جمرات) و توسعه زمانی که عنوان «خائف» و «ضعیف» در روایات بیان شده است و عنوان «خائف» و «ضعیف» از عناوین عام است و شامل کسی که از آسیب دیدن یا آسیب رساندن به دیگران باشد نیز می شود و می تواند در شب رمی جمار کند. این توسعه زمانی در روایات بیان شده است و برخی از فقها آنها را در کتب فقهی خود ذکر کرده اند. بدون اینکه دامنه خوف و ضعف را برای مردم بازگو کنند.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۴۱۵ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۲. ابن عابدین، محمد امین بن عمر، (بی تا)، حاشیة رد المحتار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن نجیم، زین العابدین بن ابراهیم، (۱۴۳۷ق)، الاشباه والنظائر، بیروت، دارالکتب العصریه.
۴. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود.
۵. افتخاری، علی، (۱۴۲۸ق)، آراء المراجع فی الحج علی ضوء فتاوی الإمام الخمینی، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
۶. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، مطارح الانظار، قم، نشر کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، چاپ اول.
۷. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، الفوائد الرجالیة
۸. التجلیل تبریزی، ابوطالب، (۱۴۰۴ق)، معجم الثقات و ترتیب الطبقات، قم، نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول.

٩. حب الله، حيدر، (٢٠١٥م)، بحوث في الفقه الحج، بيروت لبنان، مؤسسة الانتشار العربي، چاپ اول.
١٠. حر عاملی، محمد بن حسن، (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
١١. حكيم، سعيد، (١٤٣٣ق)، مناسك الحج والعمرة، بي جا، دار الهلال.
١٢. حميرى، عبدالله بن جعفر، (١٤١٣ق)، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام چاپ اول.
١٣. خامنه اى، على، (١٤٢٦ق)، مناسك الحج، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
١٤. خوئی، سيدابوالقاسم، (١٤١٥ق)، المعتمد فى شرح المناسك، قم، منشورات مدرسة دار العلم، چاپ اول.
١٥. -----، (١٣٧٢ش)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، بي جا، بي نا،
١٦. زحيلي، وهبه، (١٤١٨ق)، الفقه الاسلامى وأدلته، دمشق، دار الفكر، چاپ اول.
١٧. سرخسى، احمد بن محمد، (١٤٢٢ق)، المبسوط، بيروت، لبنان، دار احياء التراث العربى.
١٨. سيستانى، سيدعلى، (١٤٢٨ق)، مناسك الحج وملحقاتها، مكتبه فذك، ناشر باقيات، چاپ اول.
١٩. الشعلان، على بن ناصر، (١٤٣١ق)، النوازل فى الحج، رياض، دار التوحيد، چاپ اول.
٢٠. شوکانى، محمد بن على، (بي تا)، نيل الاوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، إدارة الصبابة المنيرة.
٢١. صاحب جواهر، محمد بن حسن، (١٢٦٦ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ هفتم.
٢٢. صافى گلپايگانى، لطف الله، (١٤٢٧ق)، فقه الحج بحوث استدلالية فى الحج، قم، دفتر نشر مؤلف.
٢٣. صدوق، محمد بن على، (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، قم، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، چاپ دوم.
٢٤. طبرسى، فضل بن حسن، (١٣٧٢ش)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، نشر ناصر خسرو، چاپ سوم.
٢٥. طوسى، محمد بن الحسن، (١٣٧٣ش)، الرجال للطوسى، قم، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، چاپ سوم.

٢٦. -----، (١٤٢٥ق)، الفهرست، تحقيق عبدالعزيز محقق، قم، مكتبة المحقق طباطبائي،
چاپ اول.
٢٧. -----، (بی تا)، التبيان في تفسير القرآن، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
٢٨. -----، (١٣٨٧ش)، الجمل و العقود في العبادات، مشهد، ناشر: دانشگاه فردوسی
مشهد، چاپ اول.
٢٩. -----، (١٣٦٥ش)، تهذيب الاحكام، تهران، دار الكتب الاسلامية، چاپ چهارم.
٣٥. طوسی، محمد بن علی بن حمزة، الوسيلة الى نيل الفضيلة.
٣١. الطوفی الصرصری، سلیمان بن عبد القوی، (١٤٠٧ق)، شرح مختصر الروضة، نشر مؤسسه
الرسالة، چاپ اول.
٣٢. عبد الغنی المکی الحنفی، حسین بن محمد، (١٤١٩ق)، ارشاد الساری الى مناسک الملا
علی القاری، بیروت، دار الكتب العلمية.
٣٣. عبدالله الخمیس، شبکه عنکبوتیه، بحث توسعه احواض جمرات،
٣٤. علامه حلی، حسن بن یوسف، (١٤١٢ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد،
مجمع البحوث الاسلامية، چاپ اول.
٣٥. -----، (١٤١٤ق)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
٣٦. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (١٤١٩ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، مجمع التقرب
جهانی مذاهب اسلامی، چاپ اول.
٣٧. فناری رومی، محمد بن حمزه، (١٤٢٧ق)، فصول البدایع فی اصل الشرايع، بیروت، دارالکتب
الاسلامية.
٣٨. فیاض، محمد اسحاق، (١٤١٨ق)، تعالیق مبسوطه لعروة الوثقی، قم، نشر عزیزی، چاپ اول.
٣٩. قائنی، محمد، (١٤٢٩ق)، المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار،
چاپ اول.
٤٥. قمی، سید محمد حسینی، (١٤١٩ق)، المرتقی الی الفقه الأرقی، تهران، دار الجلی، چاپ اول.
٤١. کاسانی، ابی بکر بن مسعود، (١٤٢٥ق)، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرايع، بیروت، دار الفکر،
چاپ اول.
٤٢. کلینی، محمد بن یعقوب، (١٣٦٣ش)، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ

چهارم.

۴۳. لمیس، خضیر عباس، (۱۴۴۰ق)، مبانی احکام مستحدثات الحج عند الامامية، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کربلا، رشته علوم اسلامی.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۴۵. -----، (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
۴۶. محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۴۷. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.
۴۸. المدحجی، محمد بن هائل، اثر الزحام فی أحكام منی، متلقى الفقهي،
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴ش)، رمی جمرات در گذشته و حال، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، سوم.
۵۰. نجاتی، محمدسعید، (۱۳۹۳ش)، سرزمین منا و مسائل نوپدید، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
۵۱. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، الرجال، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ ششم.
۵۲. نووی، یحیی بن شرف، (۱۴۱۴ق)، الايضاح فی مناسک الحج و العمرة.
۵۳. وحیدخراسانی، حسین، (۱۴۲۸ق)، مناسک الحج، قم، مدرسه الامام باقرالعلوم، چاپ پنجم.
54. islammessage.com
55. مقاله عن الجمرات / 2014/11 / uploads / www.bin-dehaish.com/wp-content
۵۶. (حج، ج ۳، ص ۲۰۶؛ مشروع الجسر الجمرات. ۵۶. <https://ar.wikipedia.org/wiki>؛ جسر الجمرات www.momra.gov.sa/ www.kapl-hajj.org/jamarat_bridge_.php. www.momra.gov.sa/about/gamarat.aspx).
۵۷. ابحات هیئة كبار العلماء



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی